

## در محضر امام خمینی (ره)

## حساسیت امام نسبت به نزدیکان در سوءاستفاده از جایگاه ایشان

امام تأکید خاصی به عدم ورود نزدیکانش به صحنه‌های سیاسی داشتند و حضورشان در مناصب سیاسی را منع می کردند و معتقد بودند اگر هم می‌خواهند در جای استفاده شوند همانند مردم عادی ثبت‌نام کنند و آزمون دهند. امام هیچ توصیه‌ای برای نزدیکان خود به مسئولین نمی‌کردند.اگر موردی هم از سوءاستفاده نزدیکانش را ملاحظه می‌کردند به شدت با آن برخورد می‌کردند.

بنی‌صدر با اهدافی که داشتند حاج احمدآقا را برای نخست وزیری معرفی کرد. امام مخالفت کردند و گفتند که احمد مسئولیت‌های دولتی را بر عهده نمی‌گیرد و فقط در دفتر خدمت می‌کند.

در سید حسین خمینی، نوه امام مخالفت‌هایی را نسبت به مسیر انقلاب داشتند. امام به ایشان اعلام کرد که اگر شما بخواهید از مسیر اسلام خارج شوید اولین کسی که حکم ارتداد شما را امضا می‌کند من هستم. حتی ایشان را در مشهد دستگیر کرده بودند و به اطلاع امام رسانده بودند و امام هیچ‌گونه مخالفتی نکرده بودند. طرف سید حسین را بعضی افراد نامناسب گرفته بودند که متأسفانه منتج به زاویه‌گیری ایشان با انقلاب شده بود.

سید حسین در مدتی که امام در جماران بودند از قم به تهران و به دیدار امام می‌آمدند و ساعاتی هم در کنار امام حضور داشتند. در برخی از سفرهایی که مرحوم حاج احمدآقا به نمایندگی از امام به شهرهای مختلف داشتند آقا سید حسین هم در کنار ما حضور داشت. اما امام سید حسین را از دخالت در امور دفتر و کشور منع کرده بودند. سید حسین تقریبا ماهی یکبار می‌آمدند به پدربزرگ و مادر بزرگ سر می‌زدند.

**راوی: حسین سلیمانی از محافظان امام خمینی (ره)**

**پایگاه بصیرت به نقل از مرکز اسناد انقلاب اسلامی**

### استفتاء

### از رهبر معظم انقلاب اسلامی

## روش نماز خواندن معذور

**س) شخصی که نمی‌تواند بر زمین سجده کند آیا می‌تواند بر صندلی بنشیند و قیام، رکوع و سجود را انجام دهد؟**

ج) چنین فردی، نماز را ایستاده شروع کند و در صورت توان، رکوع را طبع و در معیشت مناسب انجام دهد اما برای سجده، بر صندلی بنشیند و با کمک میز (یا مانند آن) که در مقابلش قرار می‌دهد، آن را به جا آورد؛ البته هنگام سجده اگر بتواند، علاوه‌بر دستپا که بر روی میز قرار می‌دهد، سر انگشت بزرگ پا را نیز بر زمین بگذارد.

### اطلاع دادن به صاحبخانه

## درباره نجاست خوراک و چیزهای دیگر (س) اگر کسی مانند میهمان یا مستاجر، وسایل خانه را نجس کند یا متوجه نجاست آن نشود، آیا لازم است به صاحبخانه اطلاع دهد؟

ج) اگر چیزی که توسط او نجس شده از وسایلی است که در خورند و آشامیدن استفاده می‌شود، باید اطلاع دهد و نیز اگر از وسایلی است که عدم اطلاع، موجب اخلاص در مثل وضو و غسل می‌شود، بنا بر احتیاط واجب اطلاع دادن لازم است اما در غیر این موارد، اطلاع دادن لزومی ندارد.

### انصراف از حج

**س) با توجه به افزایش ناگهانی هزینه‌های حج و مطالبه هزینه اضافی توسط دولت عربستان، آیا شخصی که هزینه‌های حج را داشته و برای اسمال ثبت‌نام کرده است، باید هزینه جدید را نیز پرداخت کند یا می‌تواند انصراف دهد؟**

ج) اگر از سال‌های پیش، حج بر او مستقر شده باید به هر صورتی، هزینه‌های جدید را فراهم کرده و پرداخت کند و اگر در همین سال جاری مستطیع شده و هزینه اضافی مذکور را (علاوه‌بر ضروریات زندگی و آنچه در معیشت مناسب شأن خود به آن نیاز دارد) دارا می‌باشد، مستطیع است و باید پرداخت کند وگرنه مستطیع نیست و حج بر او واجب نشده است و می‌تواند انصراف دهد؛
بله اگر بتواند قرض بگیرد و سپس بسادگی قرض خود را ادا کند، هر چند واجب نیست که خود را با قرض گرفتن مستطیع کند اما اگر قرض بگیرد، حج بر او واجب می‌شود.

## تشرّف به محضر ولیّ عصر (عج) در عرفات

جناب حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ حسین انصاریان نقل کرد:
فردی بود به نام محمدعلی اربابی تهرانی که با آقای شیخ رجبعلی خَیّاط بسیار نزدیک بود. دربارهٔ سفرش به مکه می‌گفت: شب نهم به عرفات رسیدم. در آن زمان، عرفات بسیار تاریک بود و از چراغ دستی استفاده می‌شد. ساعت ده شب بود که پیوسته متذکر حضرت امام عصر(عج) بودم، البته نه برای زیارتشان؛ چرا که خود را لایق زیارت ایشان نمی‌دانستم. بیرون چادر، متذکر بوم در حالی که هیچ کس حضور نداشت، صدایی به زبان فارسی روان شنیدم که گفت: آقای حاج محمدعلی!
برگشتم و با یک چهره متورّ، روحانی و آسمانی مواجه شدم.
گفتم: بیا کنار دست من.
گفتم: چشم! و در حقیقت به سوی ایشان کشیده شدم. کنارش نشستم.

فرمود: امشب شب عرفه است، زیارت حضرت سیدالشهداء وارد است، دلت می‌خواهد من یک زیارت بخوانم؟
من از کودکی زیارت‌های معروف را شنیده بودم و با آنها آشنایی داشتم و مضماین و کلمات آنها را می‌دانستم. به ایشان گفتم: خیلی دوست دارم.

حدود یک ساعت زیارتی را خواند که من تا آن زمان نشنیده بودم. کلمه به کلمه که می‌خواند، من حفظ می‌کردم و تا آخر به حافظام سپرده شد. گریه کردن آن شخص هم غیرقابل توصیف بود. پس از زیارت خداحافظی کرد و رفت، هرقدر از من دور می‌شد، زیارت هم از خاطرم می‌رفت تا اینکه به کلی آن را فراموش کردم.

از مکه به کاظمین رفتم. کنار راه‌آهن ایستاده بودم، ناگاه همان شخص را دیدم. نزدیک آمد، سلام کرد و گفت: به تهران که رفتی، سلام مرا به آقای شیخ محمد حسن طالقانی برسان.

وقتی به تهران آمدم، نزد آقا شیخ محمدحسین رفتم و قضیه را نقل کردم. ایشان بسیار گریست و مرا متوجه کرد که آن شخص امام عصر(عج) بوده است. در حالی که من نه در عرفات و نه در کاظمین، آن بزگوار را نشناخته بودم.

✽ کتاب: **خاطره‌های آموزنده**، نوشته **آیت‌الله محمدی ری‌شهری**، انتشارات دارالحدیث قم

#### راه شناخت منافقان قتنه‌انگیز

از نظر منافقان، هیچ خطری بزرگ‌تر از خطر رهبری ولایی الهی نیست؛ زیرا اگر آنان بخواهند از فواید حضور در میان مسلمانان بهره‌مند شوند بی‌آنکه هزینه‌ای برای بهره‌مندی خویش بپردازند، بهتر آن است که رهبری ولایی الهی نباشد؛ زیرا وجود رهبری عالم و عامل ربانی می‌تواند همواره برای آنان خطرا فرین باشد؛ چرا که چنین رهبری می‌تواند با بهره‌گیری از «سیمای» منافقان، باطن آنان را به علم شهودی حضوری بشناسد و آشکار سازد یا به روش رفتارشناسی بر ملکوت پلید آنان آگاه شود؛ زیرا بر اساس آموزه‌های قرآن، «سیمای هر کسی «سمه» (نشانه‌ای) روشن از شخصیت باطنی اوست. (اعراف، آیه ۴۸، فتح، آیه ۲۹؛ بقره، آیه ۲۷۳؛ محمد، آیه ۳۰)

بنابراین، از نظر قرآن، کسی که از توان نشانه‌شناسی همانند باستان‌شناسان و قیافه‌شناسان برخوردار باشد، می‌تواند با استفاده از علم ظاهری رفتار شناسی یا علم حضوری باطنی، شخصیت آنان را بشناسد و آنان را رسوا کند؛ چرا که «از کوزه همان برون تراود که در اوست.»

خدا در قرآن بیان می‌کند که از سیمای نورانی مومنان، نشانه‌ها و آثار سجده را می‌توان یافت؛ چنان‌که از ظاهر بدن مومنان می‌توان استقامت آنان در برابر مشکلات را شناخت و دانست(فتح، آیه ۲۹)، همچنین از سیمای مردمان غنیف می‌توان عزت نفس را به دست آورد که آنان چگونه با مشکلات عده‌ه اقتصادی و مالی مواجه هستند، ولی به روی خویش نمی‌آورند(بقره، آیه ۲۷۳) چنان‌که از سیمای مجرمان(الرحمن، آیه ۴۱) و سیمای منافقان(محمد، آیه ۳۰)، می‌توان مجرم بودن و منافق بودن آنان را به دست آور.

خدا در قرآن درباره منافقان می‌فرماید؛ و اگر بخواهیم قطعا آنان را به تو می‌نمایانم، پس در نتیجه، آنها را به سیمای حقیقی‌شان می‌شناسی؛ و از آهنگ سخن به حال آنان پی خواهی برد؛ و خداست که کارهای شما را می‌داند.(محمد، آیه ۳۰)

از این آیه به دست می‌آید که دو راه برای شناخت منافقان وجود دارد؛ یکی نشان دادن

منافقان لبه تیز دشمنی خویش را خدا و اطاعت از خدا قرار نمی‌دهند و کمتر به نقد قرآن می‌روند؛ چرا که می‌دانند آن کس که خطر نزدیک و ملموس است، همان رسول‌الله(ص) و رهبری اوست. از همین رو همه حالات و اظهارنزی آنان در راستای تضعیف ولایت و رهبری است تا این‌گونه بتوانند با توسل و تمسک به متشابهات قرآن، محکماتی چون ولایت و اطاعت و تبعیت از رهبری ولایی جامعه را سسست کنند و به اهداف شوم و پلید خویش دست یابند.

منافقان در مبارزه با ولایت و رهبری با دین به جنگ دین می‌روند و با تقدس‌زدایی از ولایت و رهبری، ریشه تولد فعلی را می‌زنند و با تکفیر و تمسید تلاش می‌کنند تا حقیقت «من اطاعنی فقد اطاع‌الله» را از ریشه برکنند و ولایت را در سطح محبت بی‌اطاعت و تبعیت فروکاهند و در نهایت به طور کامل از صحنه اجتماعی – سیاسی حذف کنند. در مطلب حاضر روش‌های مبارزه منافقان با رهبری ولایی جامعه دینی تشریح شده است.



# روش‌های مبارزه منافقان با رهبران ولایی

یورش می‌برند و او را متهم به بی‌عدالتی می‌کنند و در هنگام سخن گفتن درشتی می‌روزند و از اطاعت از رهبری سرباز می‌زنند.توبه، آیات ۴۹ و ۵۸) در حالی که اطاعت از پیامبر(ص) عین اطاعت از خدا و قرآن است.(نساء، آیه ۸۰، اعراف، آیات ۳۲ و ۱۳۲)
۴. **روبگردانی:** یکی از روش‌های منافقان علیه رهبری دینی، آن است که وقتی به آنان گفته شود به شریعت عمل کنید و از رسول‌الله(ص) اطاعت و تبعیت نمایید؛ آنان به ظاهر هیچ مخالفتی با شریعت نمی‌کنند، ولی از پیامبر(ص) به شدت رو برمی‌تابند و اجازه نمی‌دهند تا فرمان‌هایش اجرایی شود. خدا می‌فرماید: **وَإِذْ قَبِلَ لَهُمْ تَعَالَىٰ إِلَٰهِي مَا أَنزَلْنَا إِلَٰهِي وَإِلَٰهَ الرَّسُولِ زَآئِتَ الْمُتَآَفِقِينَ يَصُدُونِ** می‌برند که برخی از عبارتنند از:

## ۱. تقدس‌زدایی: از مهم‌ترین روش‌های منافقان برای حذف یا کاهش قدرت رهبری ولایی، تقدس‌زدایی از رهبری است. از همین رو رهبری را در حد یک انسان معمولی فرو می‌کاهند. از همین رو به او تهمت «غلو و غش» می‌زنند که حقوق است را مراعات نمی‌کنند(ال عمران، آیه ۱۶۱) یا برای قداست‌زدایی از رهبری، خانواده‌اش را متهم به اموری ضد اخلاقی و ضد هنجاری چون فسق و فحشا و منکرات می‌کنند.(نور، آیات ۱۱ و ۱۵)

**۲. مخالفت با حکومت و حاکمیت رهبری:** از دیگر روش‌هایی که منافقان برای مبارزه با رهبری ولایی به کار می‌گیرند، مراجعه به حاکمیت طاغوت از طریق مجامع بین‌المللی و غیر آنها به جای مراجعه به داوری رهبری است تا به این شیوه مرجعیت رهبری را در امور قضایی و داوری مخدوش سازند و از اعتبار او بکاهند.(نساء، آیات ۶۰ و ۶۰) از نظر قرآن، منافقان هرگز به قضاوت‌ها و حاکمیت فکری و عملی جریان اسلام و رهبری آن تن نمی‌دهند(نساء، آیات ۶۰ و ۶۱) و از هر فرمان الهی و رهبری تخلف می‌ورزند(توبه، آیات ۸۳ و ۸۴) و می‌کوشند تا ولایت کافران به هر شکلی شده در جامعه تحقق یابد. از این رو بستر ولایت کافران را بر د ولایت مومنان و زمینه تسلط کافران را بر جامعه از نظر فکری و رفتاری فراهم می‌آورند. (نساء، آیات ۱۳۹ و ۱۴۵ و ۱۴۶)

### ۳. تفکیک میان قرآن و رهبری:

منافقان در کنش‌های اجتماعی میان خود و پیامبر(ص) و نیز قرآن و آن حضرت تفرقه و تفکیک قابل می‌شوند و اطاعت خدا را غیر از اطاعت از رسول(ص) معرفی می‌کنند. به ظاهر خود را پاینده به اصول قرآنی معرفی می‌کنند و بسر اطاعت از خدا و قرآن تأکید می‌کنند؛ اما اطاعت از رهبری را نمی‌پذیرند و به سادگی گاه با رهبری با توجیه اینکه خلاف قرآن یا عدالت یا حقوق بشر است مخالفت می‌کنند. خداوند در آیه ۶۱ به واکنش‌های منافقان در برابر دعوت به اطاعت از خدا و پیامبر(ص) اشاره می‌کند و می‌گوید وقتی چنین دعوتی صورت می‌گیرد، آنان با بیان تفکیک میان قرآن و اطاعت از خدا و پیامبرش می‌گویند که ما حاضر به اطاعت از خدا هستیم ولی از رسول اطاعت نمی‌کنیم. از این رو گاه مستتاخته به قضاوت‌های پیامبر(ص)

## دعا، هم طلب است و هم مطلوب

قطع نظر از اجر و پاداشی که برای دعا هست و قطع نظر از اثر استجابتی که بر دعا مترتب است،دعا اگر از حد لقلقه زبان بگذرد و دل با زبان هماهنگی کند و روح انسان به اهتزاز درآید یک روحانیت بسیار عالی دارم‌مثل این است که انسان خود را غرق در نور می‌بیند، شرافت گوهر انسانیت را در آن وقت احساس می‌کنند.آن وقت خوب درد می‌کند که در سایر اوقات که چیزهای کوچک او را به خود مشغول داشته بود و او را آزار می داد جقدر دست و ساقط و سافل بود. انسان وقتی که از غیر خدا چیزی می‌خواهد احساس لذت می‌کند و وقتی که از خدا می‌خواهد احساس عزت‌لذتا دعا، هم طلب است و هم مطلوب، هم وسیله است و هم غایت، هم مقدمه است و هم نتیجه.

اولیای خدا هیچ چیزی را به‌اندازه دعا خوش نداشتند، همه خواهش‌ها و آرزوهای دل خود را با محبوب واقعی در میان می‌گذاشتند و بیش از آن اندازه که به مطلوبهای خود اهمیت می‌دادند، به خود طلب و راز و نیاز اهمیت می‌دادند، هیچ‌گونه احساس خستگی و ملالت نمی‌کردند.

✽مجموعه آثار استاد شهید مطهری (دعابویست گفتار)) ج ۲۲، ص: ۷۸۲- ۷۸۱- با تلخیص و ویرایش جزئی

سپس توجیه می‌کنند تا شرایط را برای رهبری سخت کنند و راه را بر ایشان و اهدافش ببینند. از همین روست که نمی‌توان به آنان اعتماد کرد؛ زیرا چیزی می‌گویند و وعده‌ای می‌دهند و در مقام عمل بر خلاف آن رفتار می‌کنند. این رویه موجب می‌شود تا کارها به سرانجام نرسد و موجب دلسردی بلکه شکست را برای امت فراهم می‌آورد. رویه آنان موجب می‌شود تا برنامه‌ها و سیاست‌ها به شکست بینجامد و ناکارآمدی را به دنبال داشته باشد. این همان سیاست مشروعبیت‌زدایی از نظام دینی با استفاده از ابزار ناکارآمدی است که خود موجب آن هستند.(نساء، آیات ۶۱ و ۶۲؛ آل عمران، آیه ۱۱۸؛ توبه، آیه ۴۷)

**۹. وارونه‌بینی و وارونه‌نامی:** منافقان انسان‌هایی هستند که قدرت تحلیل خود را از

## منافقان انسان‌هایی هستند که قدرت تحلیل خود را از دست داده و امور را وارونه می‌بینند و وارونه توصیف و تحلیل می‌کنند. بنابراین، توصیه‌های آنان نیز وارونه است.

دست داده و امور را وارونه می‌بینند و وارونه توصیف و تحلیل می‌کنند. بنابراین، توصیه‌های آنان نیز وارونه است. (بقره، آیات ۷ تا ۱۵) خدا منافقان را با عبارت «رکس» توصیف می‌کند که به معنای وارونه بودن است؛ یعنی مثل کسی که سرنگون راه می‌رود و می‌گردد.(نساء، آیه ۸۸؛ المصباح، ج ۱- ۲، ص: ۲۳۷، «الرکس») این نگرش منافقان به امور موجب می‌شود تا حقایق را نیز وارونه ببینند و تحلیل و توصیه‌های نادرست به مردم ارائه دهند. همین وارونه‌بینی و وارنه‌نامی باعث می‌شود که آنان مردم را از حقایق دور دارند و رهبری را از چشم مردم پنهان‌ند. شاید بتوان گفت که تخریبی که آنان در امور دارند، با بیان و تبلیغات آنها، به مردم انتقال می‌یابد و موجبات تردید و شک را در مردم فراهم می‌آورد(بقره، آیات ۸ و ۱۵؛ نساء، آیات ۴۲(۱۴۳)؛ توبه، آیه ۴۵)

**۱۰. توطئه در محافل مخفی:** توطئه‌های آنان به این هدف است که رهبری جامعه را در اختیار بگیرند و با نام دین بر مردم حکومت کنند. خود را به جهت برتری در اموال و ثروت و جمعیت پیروان و طرفداران و فرزندان، مردمانی ارجمند می‌شمارند که می‌بایست زمام امور کشور و جامعه را به دست بگیرند و مؤمنان را که از نظر آنها مردمانی سفیه و نابخرد هستند از مراکز قدرت بیرون برانند بلکه به‌پله‌به‌پله و گام به گام چنان پیش روند که حتی مؤمنان را از مرزهای جغرافیایی کشور اسلام بیرون برانند و آنان را آواره و سرگردان کنند.(منافقون آیه ۸)

منافقان در انجمن‌ها و محافل و جلسات مخفی و سریی خویش توطئه می‌کنند تا چگونه بتوان رهبری دینی را شکست داد یا ناکارآمد نشان دهد و مشروعبیت‌زدایی کرد؛ خدا می‌فرماید: ای کسانی که از نجوا منع شده بودند ندبید که باز بدانچه از آن منع می‌گرداندن برمی‌گردند و با همدیگر به منظور آگاه و تعدی و سرپیچی از پیامبر، محرمانه گفت‌وگو می‌کنند و چون به نزد تو آیند تو را بدانچه

خدا به آن آشپسید) سلام نگفته سلام می‌دهند و در دل‌های خود می‌گویند چرا به آنچه می‌گویم خدا ما را عذاب نمی‌کند، جنتم برای آنان کافی است، در آن درمی‌آیند و چه بد سرناجمی است. (مجادله، آیه ۸) پس منافقان در ظاهر کاتولیک‌تر می‌دهند. (نساء، آیات ۶۰ و ۶۱ و ۱۳۸ و ۱۳۹؛ مجادله، آیات ۱۴ و ۱۶ و ۲۰ و ۲۲) در حقیقت قطع رابطه با پیامبر(ص) و مومنان از روش‌های منافقان است. (نساء، آیات ۱۳۹ و ۱۴۵ و ۱۴۶)

**۷. تحریم اقتصادی اصحاب رهبر ولایی:** منافقان بسیاری آنکه رهبری دینی را تضعیف کنند، به اقسام روش‌ها تلاش می‌کنند تا اصحاب و یاران ایشان را در شرایطی سخت قرار دهند تا از دور و بر رهبری براننده شوند. بنابراین تحریم اقتصادی و عدم انفاق به آنان یکی از ابزارهای اقتصادی است که منافقان برای تخریب رهبری دینی و تضعیف آن‌ها استفاده می‌کنند، و مسخر آیات و وعده‌های الهی است که از سوی پیامبر(ص) بیان می‌شد.توبه، آیه ۱۲۴؛ المیزان، ج ۵، ص: ۳۲۵)

## منافقان برای آنکه رهبری دینی را تضعیف کنند، به اقسام روش‌ها تلاش می‌کنند تا اصحاب و یاران ایشان را در شرایطی سخت قرار دهند تا از دور و بر رهبری براننده شوند. بنابراین تحریم اقتصادی و عدم انفاق به آنان یکی از ابزارهای دستیابی به این هدف است.

**۶. پذیرش ولایت طاغوت و دشمنان:** از دیگر روش‌های مبارزه منافقان با ولایت رهبری آن است که در امور و مسائل مهم به جای پذیرش ولایت و حکومت پیامبر(ص) و مومنان با دشمنان ارتباط می‌گیرند و ولایت و قضاوت آنان را ترجیح می‌دهند. (نساء، آیات ۶۰ و ۶۱ و ۱۳۸ و ۱۳۹؛ مجادله، آیات ۱۴ و ۱۶ و ۲۰ و ۲۲) در حقیقت قطع رابطه با پیامبر(ص) و مومنان از روش‌های منافقان است. (نساء، آیات ۱۳۹ و ۱۴۵ و ۱۴۶)

**۷. تحریم اقتصادی اصحاب رهبر ولایی:** منافقان بسیاری آنکه رهبری دینی را تضعیف کنند، به اقسام روش‌ها تلاش می‌کنند تا اصحاب و یاران ایشان را در شرایطی سخت قرار دهند تا از دور و بر رهبری براننده شوند. بنابراین تحریم اقتصادی و عدم انفاق به آنان یکی از ابزارهای اقتصادی است که منافقان برای تخریب رهبری دینی و تضعیف آن‌ها استفاده می‌کنند، و مسخر آیات و وعده‌های الهی است که از سوی پیامبر(ص) بیان می‌شد.توبه، آیه ۱۲۴؛ المیزان، ج ۵، ص: ۳۲۵)

#### صفحه ۷

شنبه اول مرداد ۱۴۰۱

۲۳ ذی‌الحجه ۱۴۴۳ – شماره ۲۳۰۷۷

## چراغ راه

### شاخص‌های خیر و سعادت و بدبختی در جامعه

قال النبی (ص): «لا یزال الناس یخیر ما امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر، و تعاونوا علی البر والتقوی، فاذا لم یفعلوا ذلك، نزعتم منهم البرکات و سلط بعضهم علی بعض و لم یکن لهم ناصر فی الارض و لا فی السماء.»

پیامبر اکرم(ص) فرمود: تا زمانی که مردم، امر به معروف و نهی از منکر نمایند و در کارهای نیک و تقوا به یاری یکدیگر بشتابند، در خیر و سعادت خواهند بود، اما اگر چنین نکنند، برکت‌ها از آنان گرفته شود، و گروهی بر گروه دیگر سلطه پیدا کنند. نه در زمین یابوری دارند، و نه در آسمان.<sup>(۱)</sup>

۱- مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۲۶

## حکایت خوبان

## تحصیل خوشبختی؛ با اصلاح نفس بندگی خدا و پرهیز از مضرات

امام علی(ع) می‌فرماید: هر کس برای اصلاح خود، خویشتن را به زحمت بیندازد، خوشبخت می‌شود، هر کس خود را لذت‌ها رها کند، بدبخت می‌گردد و بی‌بهره می‌ماند.<sup>(۱)</sup>

آن حضرت در روایتی دیگر می‌فرماید: هیچ‌کس جز با اطاعت خدا خوشبخت نمی‌شود، و جز با معصیت خدا بدبخت نمی‌گردد.<sup>(۲)</sup>

همچنین آن حضرت در حدیث دیگری می‌فرماید: خوشبخت‌ترین مردم در دنیا، کسی است که از آنچه می‌داند برایش زیان آور است، دوری کند و بدبخت‌ترین آنان کسی است که از هوی نفس خود پیروی کند.<sup>(۳)</sup>

۱- غررالحکم و درالکلم، ج ۵، ص ۲۵۸
۲- تصنیف غررالحکم و درالکلم، ص ۱۸۳
۳- میزان‌الحکم، ج ۵، ص ۳۰۴

## پرسش و پاسخ

### چگونگی تحقق سعادت و راهکارهای آن(۱)

پرسش:

از منظر آموزه‌های وحیانی سعادت انسان در چیست و راهکارهای رسیدن به آن کدام است؟ پاسخ:

##### تعریف سعادت

سعادت به معنای نیکبختی از ریشه «سعد» به معنای خیر و شادی و شقاوت ضد آن و به معنی تیره‌روزی و بدبختی است. همچنین در عرف عام سعید به کسی می‌گویند که از آنچه مردم آن را خیر و خوبی می‌دانند، بهره‌مند باشد. بنابراین می‌توانیم سعادت را به دستیابی به خیر و کمال و شقاوت را به رسیدن به شر و نقض تعریف و تفسیر کنیم. از آنجا که انسان موجودی مرکب از روح و جسم مادی است، لذا سعادت روح و جسم در دستیابی هریک از این دو به کمال وجودی‌شان است. سعادت روح در نزدیکی و تقرب به خدای متعال است و در این صورت است که به غایت کمال خودش می‌رسد و سعادت جسم و بدن در بهره‌مندی از سلامت بدن و مواهب مادی است. طبیعی است که در نقطه مقابل آن یعنی ترسیدن به کمالات روح و جسم از مصادیق شقاوت انسان به حساب می‌آید.

قرآن کریم می‌فرماید: هرگاه می‌خواهید وارد خانه‌هایی بشوید از در آن خانه‌ها وارد شوید؛ وادخلواالیوتین لایولها» (بقره- ۱۸۹) این یک قاعده و اصل کلی است که برای رسیدن به هر هدفی باید راهکار خاص آن را پیدا کرد و همیشه از راه راست و مستقیم و در ورودی زندگی وارد شد و خوشبختی و سعادت را جست‌وجو کرد و پشت دیوار و حصار زندگی معطل و متحیر نماند. بسیاری از افراد در همه عمر خود در پشت دیوار و حصار زندگی و خوشبختی و سعادت معطل مانده‌اند و می‌گویند: ما که از زندگی چیزی نفهمیدیم، زندگی بی‌معنا و پوچ است. این افراد همیشه در حیرت و سردرگمی بسر می‌برند. قرآن کریم می‌فرماید: هرکس اعمال صالح انجام دهد و نیکوکاری کند و دارای ایمان هم باشد، خواه مرد و خواه زن باشد، ما او رزنده می‌کنیم به یک زندگی خوش و صاف و بی‌کدورتی و بعد هم در جهان دیگر بهترین پاداش را به آنها می‌دهیم.(نحل- ۹۷)
ری قرآن کریم مردم می‌ایمان و بدکار را رزنده و حساس نمی‌خواند و کسانی که نیکوکاری کنند و ایمان و علاقه به معنویت داشته باشند، ما آنها را رزنده می‌کنیم و از مرگی خارج و نجات می‌دهیم. آن وقت می‌فهمند که زندگی بی‌معنا و بی‌هدف نیست و می‌فهمند که سعادت و شقاوت واقعیت دارد، فقط باید راهکار خاص وصول به سعادت را با چشم بصیرت شناخت و در آن چهارچوب عمل کرد.

##### رسالت پیامبران هدایت به راهکار سعادتمندی

پیغمبران الهی آمده‌اند که به ما راهکار زندگی سعادت‌مندانه و در ورودی سعادت و خوشبختی را نشان دهند. آمده‌اند که به بشر بفهمانند که بدی و بدکاری و هوس‌بازی و دروغ و خیانت و منفعت‌پرستی و کینه‌توزی و خودپرستی راه ورودی زندگی سعادت‌مندانه و طریق رسیدن به سعادت و آرامش و رضایت خاطر نیست؛ در ورودی زندگی و خوشبختی و سعادت، نیکب و نیکوکاری، راستی و درستی است. استحکام اخلاقی و خیرخواهی و مهربانی است. تنها ایمان و اعتقاد به معنویت و سپس نیکوکاری براساس آن اعتقادات مقدس است که قلب را آرام و رضایت خاطر را تأمین می‌کند، و سعادت را می‌سازد. پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: خداوند خوشی و آسایش را در دو چیز قرار داده است: یقین فی‌الطریق را در دو چیز قرار داده است: یقین در راه و رضایت خاطر (جلب رضایت الهی) و ناراحتی و رنج را در دو چیز قرار داده است: تردید و خشم و غضب. (اصول کافی، ج ۲، ص ۵۷)
بنابراین منتهای سعادت این است که انسان در ناحیه عقل و فکر دارای محکم‌ترین یقین‌ها و اطمینان‌ها و در ناحیه احساسات و قلب دارای پاک‌ترین نیتها، و در ناحیه عمل دارای نیکوترین عمل‌ها باشد.

## عقل، وسیله شناخت سعادت

سعادت آن است که رسیدن به آن هیچ‌گونه پشیمانی نداشته باشد و شقاوت آن است که برای انسان غیرقابل تحمل باشد. سعادت مطلوب نهایی بشر است و شقاوت آن چیزی است که انسان همیشه از آن دوری می‌گزیند.<sup>(۱)</sup>

عقل وسیله شناخت سعادت است، عقل یا مستقیماً سعادت را می‌شناسد یا با راهنمایی انسان به مکتب و آینه است که سعادت را نشان می‌دهد.<sup>(۲)</sup>

۱- مجموعه مقالات، شهید مطهری(ره)، ص ۷۸
۲- همان، ص ۷۹

## صفحه معارف روز‌های: شنبه، یک‌شنبه سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود

تلفن‌های مستقیم: ۳۳۹۶۱۹۹۱ – ۳۵۲۰۲۲۲۱

Maarefkayhan@Kayhan.ir

۱۱.کارشکنی: از نظر قرآن، کارشکنی از

روش‌های منافقان در تحلیل علیه رهبری جامعه است.

(توبه، آیه ۸)